

گزارشی از موزه و بناهای یادبود نبرد آلمان و شوروی در جنگ جهانی دوم

پانورامای استالینگراد



یک نویسنده آمریکایی گفته قول می دهد هیچ وقت دلش برای قرن بیستم تنگ نشود! شاید بتوان منظور او را این طور تفسیر کرد که جنگ های اول و دوم جهانی بی شک نقطه شروع جنون، انسان کشی، تجاوز و کشور گشایی در قرن بیستم بودند. این نبردهای خونین حدود ۸۰ درصد جمعیت کره زمین را درگیر کردند و در بیش از ۳۰ کشور اروپایی، آسیایی و آفریقایی در زمین، دریا و آسمان به طور مستقیم یا غیر مستقیم جریان داشتند. تلاش ۱۱۰ میلیون نیروی نظامی برای از صحنه خارج کردن طرف مقابل به کشته شدن ۵۷ میلیون نفر انجامید که تقریباً نیمی از آنها مردم بی گناه بودند.

آنها به استالینگراد برگشته اند
این میز چوبی که در زمان نبرد در مرکز فرماندهی سپاه ۶۴ ارتش سرخ بوده، همانی است که ژنرال روکوسوفسکی و ورونوف پایش نشستند تا به کمک یک مترجم از ژنرال پائولوس بازجویی کنند



آنها به استالینگراد برگشته اند
تابلوی «آنها به استالینگراد برگشته اند» اثر لیتوینوف، سال ۱۹۷۰ این تابلوی رنگ روغن، تصویری از ارتشبد یرمنکو، سرهنگ شومیلوف و ارتشبد چوویکوف را کنار هم در مقبره سربازان گمنام نشان می دهد



موتورسیکلت ام ۷۲
این موتورسیکلت حاصل مهندسی معکوس مهندسان روسی است! آنها که پس از عملیات نظامی از تش سرخ علیه فنلاند دنبال یک وسیله مناسب برای نیروهایشان بودند، به دستور استالین ۵ دستگاه از موتورهای کابین دار آر ۷۱ آلمان را از مرز سوئد قاچاقی وارد کردند، قطعات آن را جدا کردند و بعد از چند ماه ام ۷۲ را ساختند



سربازان در حال جنگ خیلی طبیعی بازسازی کرده است. اما اینها همه پایان کار نیست. هنرمندان در پس زمینه پرده، کارهای قهرمانانه و افسانه گونه مردان و زنان حاضر در نبرد استالینگراد را هم احیا کرده اند: ماتوی پوتیلف، افسر دیدبانی که سیم های پاره شده خطوط رادیویی را با دهانش به هم وصل کرد، نیکلای سردوکف، سر جوخه روس که با سینه اش جلوی دهانه توپ دشمن را بست، آنا بشاسنوا، پرستاری که خیلی از زخمی ها را به پشت جبهه آورد و جان شان را نجات داد و میخائیل پانیخایا، سرباز ارتش سرخ که خودش را جلوی تانک نازی ها انداخت و کشته شد نمونه هایی از کارهایی است که هنرمندان روسی برای زنده نگه داشتن خاطره این مقاومت آنها را نقاشی کرده اند.

این موزه سالانه بیش از پانصد هزار بازدیدکننده دارد، ولی شهرداری ولگوگراد و مسئولان موزه برای جذب بیشتر مردم بخش های جدیدی را به آن اضافه کرده اند. مثلاً از سال ۱۹۹۷ «تالار افغانستان» هم به گوشه ای از مجموعه اضافه شده که اسناد، افراد و جنگ افزارهای مهم جنگ افغانستان را در معرض دید قرار می دهد. این موزه به جز روزهای دوشنبه، هر روز از ۱۰ صبح تا ۸ بعد از ظهر باز است.

تالارها چهار دایورامای ۵ در ۲۵ متری دارد که گالری فوق العاده ای از تصاویر فرماندهان و رهبران نظامی نبرد استالینگراد را به نمایش گذاشته اند.

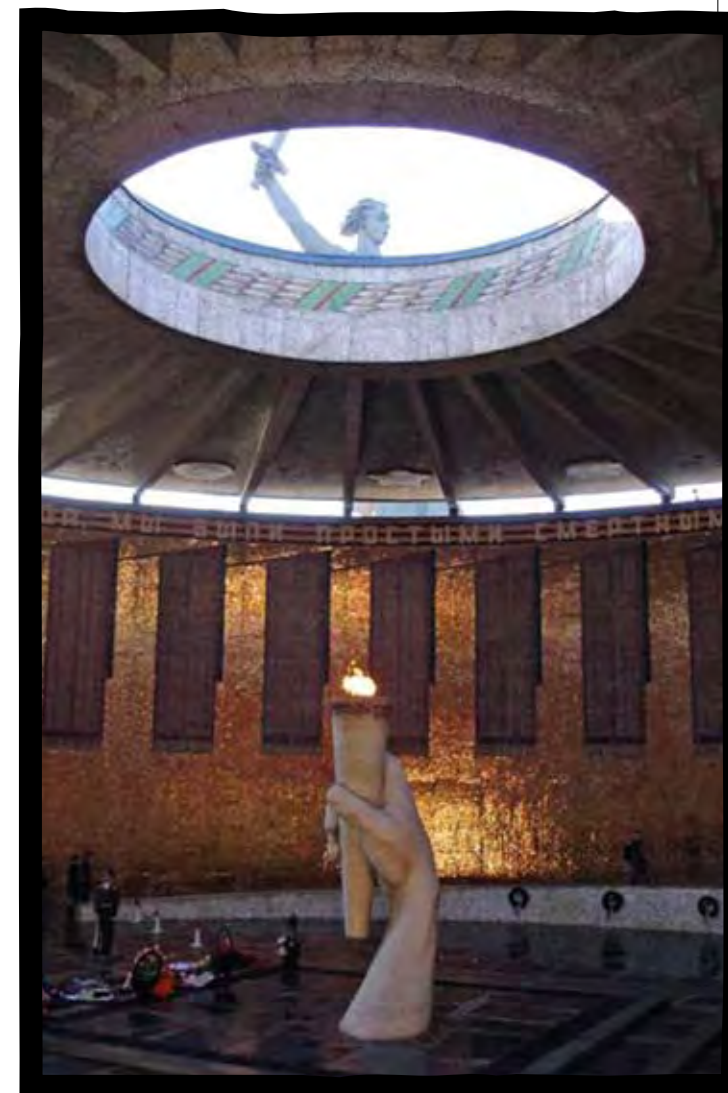
در کنار این تالارها یک پرده پانورامای ۱۶ در ۱۲۰ متر با نام «شکست ارتش های فاشیستی در استالینگراد» هم هست که تمام حوادث نبرد، چه تراژیک و چه امیدبخش را، به صورت خیلی فشرده اما بی نهایت جذاب روی بزرگ ترین بوم نقاشی روسیه منعکس کرده است.

این پرده پانوراما که در ۸ جولای ۱۹۸۲ افتتاح شد حاصل هنر نمایی هفت نقاش بر جسته «استودیوی طراحی نبرد گرگوف» است. گرچه این هنرمندان قبول دارند که نتوانسته اند ریز به ریز جزئیات نبرد استالینگراد را روی قاب بیاورند، ولی تقریباً تمام کسانی که در جنگ حضور داشته یا در سال ۱۹۴۲ ساکن استالینگراد بوده اند، با دیدن این شاهکار ارزشمند نقاشی زبان به تحسین آنها می گشایند، و البته شاید حق هم داشته باشند، چرا که این تابلوی عظیم تا جایی که امکان داشته سیلواها، آسیاب بادی، خانه پائولوف، میدان ۹ ژانویه و ایستگاه قطار استالینگراد را به همراه جزئیات میدان نبرد مثل حرکت تانک ها، نیروهای پیاده، هواپیماها، آتش توپ ها و

نبرد استالینگراد که بین سال های ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ روی داد یکی از مهم ترین این تحولات بود. نبردی که در آخر با سر و ته شدن ماشین جنگی آلمان نازی و برچیده شدن بساط نیروهای فاشیستی به نفع شوروی تمام شد. از این واقعه ۶۸ سال می گذرد. استالین و هیتلر هر دو مرده اند، آلمان نازی و شوروی وجود خارجی ندارند و کاتیوشاهای روسی و پنزرهای آلمانی هم دیگر به شکل آن زمان تولید نمی شوند، اما کسانی بوده اند که خوش نداشته اند این جنگ به این سادگی ها فراموش شود. آنها در شهر ولگوگراد یا همان استالینگراد قدیم، موزه های ساخته اند. موزه ای که گرچه نمی تواند از نظر وسعت با نمونه های مشابه در دنیا یا حتی «موزه میهن پرستی مسکو» رقابت کند، ولی بی تردید برای کسانی که می خواهند با افراد، تجهیزات و فضای آن نبرد آشنا شوند بهترین جاست: ولگوگراد، خیابان چوویکوف، پلاک ۴۷.

«موزه پانورامای نبرد استالینگراد» که قبلاً نام هایی چون «موزه دفاع استالینگراد» و «موزه دولتی دفاع ولگوگراد» داشته بر اساس طرح های منحصر به فرد مالایف، معمار بزرگ شوروی، ساخته شده است. این مجموعه دارای هشت تالار اصلی است که در کل ۳۵۰۰ اثر نمایشی و نقاشی را در خود جای داده اند. هر کدام از این

شعله ابدی
در «تالار شکوه و جلال جنگجویان» کنار تپه مامايف، سردیس دستی را می بینید که شعله‌ای را به سمت بالا گرفته تا نور یاد قربانیان استالینگراد هیچ وقت در ذهن‌ها خاموش نشود



وباقی قضا یا

در کنار موزه ولگوگراد، یک جاذبه گردشگری دیگر به نام «مجموعه یادبود تپه مامايف کرگان» قرار دارد. موقعیت استراتژیک و بلندی این تپه به روس‌ها در زمان نبرد سال ۱۹۴۲ کمک می‌کرد تا بهتر بتوانند آلمانی‌ها را زیر نظر بگیرند. البته سیم‌های خاردار، میدان‌های مین و سنگرهای اطراف آن جلوی آتش سنگین ژرمن‌ها دوام نیاورد و آنها توانستند تپه را بگیرند، ولی آتش سرخ پس از تسلیم شدن سپاه ششم آلمان، آن را دوباره پس گرفت. آتش توپ‌های دو طرف روی این تپه آن قدر سنگین بود که تا سال‌ها چیزی رویش سبز نمی‌شد. مسئولان، بقایای استخوان سربازان و تجهیزات نبرد را روی بخش‌هایی از زمین باقی گذاشته‌اند تا حس بهتری به بازدید کنندگان بدهند. حالاً روی این تپه مجسمه‌هایی ساخته شده که بیشترشان از آجر خانه‌های مخروبه استالینگراد بنا شده‌اند. واسیلی چوویکوف، فرمانده نیروهای روس هم کنار این تپه دفن شده است.



آسیاب قدیمی
این ساختمان آجری قرمز رنگ که به گفته روس‌ها دو برادر آلمانی آن را ساخته‌اند تنها بنایی است که آلمانی‌ها نتوانستند با خاک یکسانش کنند. البته دلیلش هم ایستادگی مردانی مثل یاکوف پائولوف است که حالا جزو چهره‌های ماندگار تاریخ جنگ‌های روسیه است. مقاومت روس‌ها برای از دست ندادن این ساختمان باورنکردنی است، چون برای حفظ آن گاهی باید با نیروهای دشمن جنگ تن به تن می‌کردند و با زور سر نیزه آنها را عقب می‌راندند



مجسمه «نبرد تا آخرین نفر»
این مجسمه که از جمله نمادهای یادبود روی تپه مامايف است سرباز تنومند آتش سرخ را نشان می‌دهد که با تفنگی در دست انتظار نازی‌ها را می‌کشد



خانه پائولوف
نام بنایی است به نام سر جوخه روسی یا کوفیاپولوف که با هم‌زمانش در جنگ استالینگراد جلوی آتش بی‌امان آلمانی‌ها ایستاد و نگذاشت آنها خانه را صاحب شوند



ادب و هنر
جنگ

بازتاب‌های یک جنگ

فیلمی درباره نبرد در استالینگراد، رمانی از ارنست همینگوی، کتاب تازه‌ای از حسین بهزاد با موضوع خاطرات سردار حسین همدانی و بالاخره مستندی درباره ماجراهای اشغال خرمشهر از شهید سیدمرتضی آوینی، مطالب خارجی و داخلی این شماره پرونده ادبی و هنری مجله‌اند. داریم سعی می‌کنیم مطالب پرونده ارتباط وثیق‌تری با مطالب دیگر پرونده‌ها داشته باشیم.